

# بررسی نگرش والدین، مربیان و دانشجویان در

## مورد ضرورت آموزش پیش از دبستان

معرفی مقاله

نوشته: دکتر فرخنده مفیدی

آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان در ساختار آموزشی بسیاری از جوامع و کشورها جایگاه بسیار ارزشمند و حساسی دارد. یافته‌های پژوهشی بسیار نشان دهنده اهمیت و ضرورت این دوره از آموزش‌ها در شکل‌دهی موفقیت‌های تحصیلی کودکان در دوره‌های بالاتر و نیز ارتقای کارآیی درونی سیستم‌های آموزشی است. در این راستا باورها و عقاید و نگرش‌های دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان و افراد مرتبط با کودکان در توسعه و اشاعه برنامه‌ریزی‌ها و سرمایه‌گذاری برای پذیرش و افزایش ورود کودکان به این دوره از آموزش‌ها سهم به‌سزایی داشته است.

در کشور ما به‌ویژه تا قبل از رویداد تغییر نظام آموزشی کشور و مصوبات سال ۱۳۷۳ در مورد آموزش‌های پیش از دبستان، تردیدها و بدفهمی‌هایی وجود داشته است که به نوعی بر سرنوشت برنامه‌ریزی و پذیرش این دوره از آموزش‌ها در ساختار رسمی آموزشی کشور تأثیر گذاشته و موانعی را ایجاد کرده است. مطلب یاد شده که انگیزه اصلی انجام این پژوهش بوده است، نگارنده را بر آن داشت تا با دید علمی و منطقی‌تر به بررسی نگرش‌های والدین،

مربیان و دانشجویان پردازد، امید این‌که بتواند ضمن مستندسازی دیدگاه‌ها، برای برنامه‌ریزی‌های غنی‌تر و استحکام جایگاه این دوره از آموزش‌ها نگاه مسؤولانه‌تر و مثبت‌تری را موجب گردد.

این پژوهش براساس نگرش‌سنج پاتریشیا وارد در سال ۱۹۸۲ صورت گرفته و نتایج نیز با یافته‌های پژوهش یاد شده مقایسه و تحلیل گردیده است. نگارنده براساس تجربیات و مطالعات فراوان خود در پایان، بخش رهیافت و راهبردهای عملی، پیشنهادهایی را به‌منظور فراهم آوردن شرایط مناسب و شکل‌دهی سیمای مطلوب در برنامه‌ریزی‌های این دوره و به‌ویژه مستحکم کردن جایگاه این دوره از آموزش‌ها و در ارتباط با ساختار آموزش رسمی ابتدایی ارائه داده است.

این مقاله را خانم دکتر فرخنده مفیدی عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی تهیه و در اختیار فصلنامه قرار داده‌اند که به این وسیله از ایشان تشکر می‌شود.

فصلنامه،

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

"خودپنداری" یا مفهوم از خود از هنگام تولد آغاز می‌شود و در دوران رشد و مراحل آن شکل می‌گیرد. این که کودک سرانجام چگونه احساسی درباره خود پیدا می‌کند، نتیجه تماس‌ها و تجربه‌های مختلف او با افراد دیگر و محیط است. اگر بیشتر این تماس‌ها و تجربه‌ها مطلوب باشند، کودک احساس خوبی درباره خود پیدا می‌کند. اگر کودک مورد محبت قرار گیرد و از او مراقبت به عمل آید و محیطی محرک و برانگیزاننده برایش تدارک دیده شود و نیز اگر مورد غفلت قرار نگیرد و یا بیش از حد تنها گذاشته نشود، سرزنش نشود و با خشونت و سختی محدود نگردد، بی‌تردید شروع به رشد می‌کند اگر چنانچه، مجموعه‌ای از پاسخ‌های منفی را از دیگران و محیطش در خود ذخیره نماید، به این باور خواهد رسید که اشکالی در او وجود دارد و ممکن است تصویری نادرست و ناپایدار از خود پیدا کند و به قابلیت‌ها و استعداد‌های خود به دیده تردید بنگرد.

با این مقدمه می‌توان نگرش‌ها و باورهای درست و نادرست را در مورد یک نظام، یک ویژگی و یک عملکرد به وجود آورد. واقعیتی مستند است که آموزش و پرورش پیش از دبستان در جامعه ما از زمان رویش و در طول دوره حیاتش تصویری مخدوش و مظلوم از خود پیدا کرده است و متأسفانه هنوز به جایگاه و منزلت واقعی خود - به‌رغم کارآیی بسیار خوب این دوره از آموزش‌ها - دست نیافته است. اولویت ندادن به آموزش‌های پایه و استفاده نکردن از عملکرد و قابلیت‌های این سطح از آموزش‌ها به عنوان دروندادی حساس در پردازش اطلاعات و نتایج عملکرد دوره دبستانی و سطوح بالاتر، تصویری مبهم و ناپایدار از موقعیت و جایگاه آن در جامعه آموزشی و نیز خانواده‌ها پدید آورده است.

امروز بر بسیاری از صاحب‌نظران روشن است که آموزش و پرورش پیش از دبستان، با توجه به جذابیت و پذیرش و نیز ضرورت و اهمیت آن دوره طولانی طفولیت، دوره کودکی و دوره کوتاه نوجوانی را در بسیاری از کشورها پشت‌سرگذاشته است. این دوره از آموزش‌ها - با نگاه تطبیقی و مقایسه‌ای در بسیاری از کشورها - اکنون به مرحله بلوغ و پختگی رسیده است. (مل هویش، ادوارد و پیترماس، ۱۹۹۱)

ما هرگز تا قبل از این دوره در تاریخ آموزش و پرورش، به اندازه زمان حال، درباره فرآیند یادگیری و چگونگی رشد و تحول و اکتساب دانش درباره کودکان اطلاع کسب نکرده‌ایم.

اکنون آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان نه لزوماً به دلیل یک واقعه یا رویدادی خاص، بلکه به علت واقع‌گرایی، بینش و بصیرت و تلاش و کار بسیاری از افراد در

آستانهٔ پختگی است. اگر با توجه به منابع معتبر، از افلاطون<sup>۱</sup> (۳۴۷ - ۴۲۷ قبل از میلاد مسیح) و ارسطو<sup>۲</sup> (۳۲۲ - ۳۹۴ قبل از میلاد مسیح) که آغاز و نقطه شکفتن آموزش‌های اولیه را از هنگام تولد دانسته‌اند غافل‌نمانیم (سیف‌الد و باربور، ۱۹۸۶)، باید بپذیریم که جان آموس کمنیوس<sup>۳</sup>، ژان ژاک روسو<sup>۴</sup>، پستالوزی<sup>۵</sup>، فروبل<sup>۶</sup>، ماریامونته سوری<sup>۷</sup>، پیازه<sup>۸</sup> و محققان کنونی جوامع مختلف و نیز جامعه علمی و فرهنگی ما به برکت اندیشه‌ها و اعتقادهای خردمندانۀ خود و از همه مهم‌تر بدون شتابزدگی به هویت واقعی این دوره از آموزش‌ها و نتایج اثربخش آن بر سرنوشت تربیتی کودکان کمک کرده‌اند (مفیدی، ۱۳۷۲).

از اوایل سال‌های ۱۹۰۰ - یعنی در حدود ۹۵ سال - آموزش و پرورش پیش از دبستان بخشی از زندگی و ساختار عمومی و اساسی آموزش و پرورش بسیاری از کشورهاست (سیف‌الدرو باداور، ص ۱۱، کاترون و آلن ۱۹۹۳).

در حالی که با توجه به ابهام‌ها، تضادها و تفاوت سلیقه‌های بسیار در بعضی کشورها از جمله جامعه آموزشی خوب ما، این دوره از آموزش‌ها هنوز وابستگی کودکی خود را حفظ کرده و به دیگران وابسته است و هنوز در جست‌وجو و تکاپوی خود - آگاهی است<sup>۹</sup>. این گرایش حتی در دانشگاه‌های ما نیز شکل گرفته ولی هنوز به عنوان رویکردی هماهنگ و یا برنامه‌ای منسجم و مدون برای مراقبت و آموزش و پرورش کودکان تدارک دیده نشده است. هنوز هم آموزش و پرورش در این سطح به مفهومی از خود و پنداره‌ای صحیح و مثبت دست نیافته است و به عنوان رشته و حوزه‌ای تخصصی که به کودکان از هنگام تولد تا هشت و نه سالگی خدمت می‌کند - به علت سطحی‌نگری‌ها و جایگزینی‌های نادرست شغلی و نیز به دلیل کمبود اطلاعات و پیامدهای برگرفته از این دوره - در کارآیی دوره‌های بعدی، احساس هویت و شایستگی نمی‌کند.<sup>۱۰</sup>

سؤال این است که نگاه ما به این دوره از آموزش‌ها و فرآیند تربیت در این دوره چگونه است؟

- آیا آن را دوره‌ای گذرا - چه باشد و چه نباشد - و یا حتی لزوم آن را برای همه از کودکان محروم و دوزبانه گرفته تا کودکان مرفه جامعه، یکسان می‌دانیم؟

- آیا این دوره را پیش‌نیاز و اساس تربیت‌های بعدی می‌دانیم؟

- آیا آن را به صورت پلکان اول و پایدارترین پله در نردبان ترقی و پیشرفت‌های بعدی می‌دانیم؟

- آیا آن را دوره‌ای حساس و سرنوشت‌ساز از زندگی یک انسان می‌دانیم؟

- آیا به تأخیرها و غفلت‌ها در مورد آموزش‌های این دوره، با نگاه مسؤولانه‌ای می‌نگریم؟

- آیا معتقدیم که اگر برای این دوره از آموزش‌ها برنامه‌ریزی نکنیم، برای رفع کمبودهای ناشی از نداشتن برنامه‌ریزی صحیح به انرژی زیادتری نیاز پیدا می‌کنیم؟  
- و سرانجام آیا تدارک محیط‌های تربیتی در این زمان را برای کودکان لازم، همگانی و اهدافش را در ارتباط و در جهت هدف‌های تربیتی بعدی و دبستانی و نه متفک از آن می‌دانیم؟

اکنون آموزش و پرورش در دوران اولیه کودکی<sup>۱۱</sup> دارای هویت و دستخوش تحول شده است و در مجامع علمی و بین‌المللی از وجهه و منزلت برخوردار شده است و به وسیله انجمن‌های بین‌المللی و ملی به عنوان حوزه و رشته‌ای جدا و مشخص و گاه قابل تفکیک از آموزش و پرورش ابتدایی شناخته شده است. از نظر مقصود و اهداف از وضوح کامل برخوردار شده و تعریف بسیار روشنی از خود دارد و به عنوان "خدماتی که برای کودکان از هنگام تولد تا سن هشت و گاه نه سالگی در برنامه‌های نیمه وقت و تمام وقت در مراکز تربیتی، مؤسسات، کودکان‌ها و مدارس مقدماتی"<sup>۱۲</sup> و غیره اختصاص دارد، تعریف شده است (N, A.E. Y.C. 1982).

براساس آمارهای بین‌المللی از سال ۱۹۹۱ در بعضی کشورها تقریباً همه کودکان قبل از ورود به مدارس ابتدایی، در این مراکز تربیتی حضور می‌یابند. حضور ۷۲٪ از پنج ساله‌ها در کودکان‌ها<sup>۱۳</sup> و ۴۶٪ از چهار ساله‌ها همراه با متجاوز از ۲۷٪ از سه ساله‌ها در مهدهای کودک<sup>۱۴</sup>، نمونه بارز نگرش ارزشمند نسبت به این دوره در سرنوشت تربیتی کودکان این جوامع است. در کشور ژاپن، کودکان قبل از ورود به مدارس ابتدایی، در کلاس‌های آمادگی و یا کودکان‌ها حضور می‌یابند و در حال حاضر ۹۰٪ کودکان ۵ ساله در این گونه مراکز تربیتی که ۶۰٪ آن توسط بخش خصوصی اداره می‌شود، از ثمرات کوتاه و دراز مدت و پر دوام آموزش‌های این دوره بهره‌مند هستند (آقازاده، ۱۳۷۳). همچنین براساس آمار در نوزده کشور آمریکای لاتین، سهم کودکان سه تا پنج ساله ثبت‌نام شده در برنامه‌های پیش دبستانی از سال ۱۹۸۰ میلادی تا سال ۱۹۸۹ از ۱۸٪ به ۲۴٪ افزایش یافته است که به طور دقیق این رقم گسترش ۸۳٪ را نشان می‌دهد. براساس اطلاعات موجود، ۹۵٪ از کودکان سه تا شش ساله آلمانی و ۹۵٪ کودکان دو و نیم تا شش ساله بلژیکی، ۹۵٪ کودکان زیر شش سال دانمارکی و ۹۲٪ کودکان پنج تا شش ساله آمریکایی در انواع مختلف مراکز پیش دبستانی شرکت دارند. تحقیقات مقایسه‌ای در مورد افرادی که از آموزش‌های پیش دبستانی برخوردار شده‌اند، با کودکانی که از این خدمات بهره نرفته‌اند، در همه حال به سودگروه آموزش دیده بوده است. از جمله این که "هزینه‌ها و خدمات بعدی موردنیاز برای گروه آموزش ندیده از نظر افت تحصیلی و نیاز به

کلاس‌های حمایتی و تقویتی، حدود هفت برابر گروه آموزش دیده بوده است" (کاترون و آلن، ص ۲۵۸).

یافته‌های پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد به راهنمایی نگارنده (نوروززاده، رضا ۱۳۷۳ و محمدنژاد، آتیه ۱۳۷۴) نیز، مؤید اثرات ارزنده آموزش‌های دوره پیش از دبستان در موفقیت‌های تحصیلی کلاس‌های سوم، چهارم و پنجم و دروس اساسی و پایه مانند فارسی، علوم و ریاضی دانش‌آموزان کشورمان بوده است.

بایدها و نبایدها در ساختار کلی نظام آموزش و پرورش پیش از دبستان از جهت هدف‌ها، روش، محتوا، نیروی انسانی و ارزشیابی موردنظر قرار گرفته است.

بررسی بدفهمی‌ها درباره آموزش و پرورش پیش از دبستان و قابلیت‌های کودکان، چه هست و چه نیست؟ و این‌که، آموزش و پرورش دوره پیش از دبستان چه هست و چه نیست؟ در جدول شماره ۱ آمده است.

### جدول شماره ۱ - بررسی بدفهمی‌های آموزش و پرورش پیش از دبستان و قابلیت‌های کودکان در این دوره

چه هست	چه نیست
آموزش و پرورش کودکان در این دوره به وجود مربیان و افراد آگاه و علاقه‌مند و پر انرژی وابسته است و یکی از شاخص‌های مهم در ارزش‌گذاری قابلیت‌های این مراکز تربیتی، وجود افراد با تجربه و متخصص در کار با کودکان این دوره است.	آموزش و پرورش در این دوره لگنی نیست و مربی لگنی نیست و هر کس بدون شناخت کودکان نمی‌تواند با آنها کار سودمند و ارزشمند انجام دهد.
آموزش و پرورش در دوران اولیه کودکی، بیشتر "کودک - محور" ۱۷ است که از رویکرد بازی و فعالیت پیروی می‌کند.	آموزش و پرورش در دوران اولیه کودکی، برنامه‌ای "معلم - محور" ۱۶ که از رویکرد کلاس‌های رسمی پیروی می‌کند، نیست.

## ادامه جدول شماره ۱

چه هست	چه نیست
آموزش و پرورش در این دوره بر رشد کلی و همه‌جانبه کودک متمرکز است.	آموزش و پرورش در دوران کودکی، برنامه‌ای نیست که لزوماً بز پیشرفت تحصیلی و رشد شناختی متمرکز باشد.
آموزش و پرورش در دوران اولیه کودکی برنامه‌ای است که محیط بازی، برانگیزاننده و محرکی را برای رشد ذهنی، گفتاری، اجتماعی، و جسمی کودکان تدارک می‌بیند.	آموزش و پرورش در این دوره، یک برنامه "موضوع - محور" ۱۸ برای تدریس خواندن، نوشتن و حساب کردن نیست.
آموزش و پرورش در دوران اولیه کودکی، برنامه‌ای است که تعامل با محیط، مشارکت فعال در فعالیت‌های گروهی و توانایی حل مسائل خلاق را در کودکان تقویت می‌کند.	آموزش و پرورش در دوران اولیه کودکی برنامه‌ای نیست که گوش دادن و یادگیری غیرفعال را از طریق تکرار شفاهی در کودکان مورد تأیید قرار دهد.
برنامه‌ای است که مبنایی برای رشد خواندن، نوشتن و حساب کردن به وجود می‌آورد و به‌طور غیررسمی مفاهیم پایه را در ذهن کودکان شکل می‌دهد.	آموزش و پرورش در دوران اولیه کودکی، برنامه‌ای نیست که خواندن، نوشتن و حساب کردن را به‌طور رسمی آموزش دهد و با برنامه‌های دبستان نیز، تداخل ندارد.
برنامه‌ای است که کودکان را برای دوران ابتدایی و مقدماتی ۱۹ آماده می‌کند و برای موفقیت‌های مدرسه‌ای حیاتی است.	آموزش و پرورش در دوران اولیه کودکی، برنامه‌ای نازل‌تر و از نظر عملکرد پایین‌تر از آموزش‌های دوره ابتدایی و مدرسه‌ای نیست.
برنامه‌ای است که بر طراحی، زمان‌بندی و نظم تکیه دارد ولی در عین حال نسبت به نیازهای کودکان، انعطاف‌پذیر است.	آموزش و پرورش در دوران اولیه کودکی، برنامه‌ای سخت و غیرقابل انعطاف نیست که بر زمان‌بندی درسی و دوره‌های ثابت یادگیری تکیه کند.

## ادامه جدول شماره ۱

چه هست	چه نیست
برنامه‌ای است که به‌طور غیرمستقیم "کنترل خود" <sup>۲۰</sup> و در نتیجه انضباط درونی را در کودکان بهبود می‌بخشد.	آموزش و پرورش دوران اولیه کودکی، برنامه‌ای نیست که کودکان را به اطاعت و فرمانبرداری بی‌چون و چرا وادار کند و یا انضباط سختی را در آنان به تمرین گذارد.
آموزش و پرورش این دوره، برنامه‌ای "فرآیند - محور" <sup>۲۲</sup> است که بر تدارک تجربه‌های دست اول به کودکان به طریقی تکیه دارد که رشد مهارت‌های مرتبط با فرآیند یادگیری را ضمانت می‌کند.	آموزش و پرورش دوران اولیه کودکی، برنامه‌ای "امتحان - محور" <sup>۲۱</sup> نیست که بر نتیجه و حاصل کاری که کودکان یاد گرفته‌اند، تأکید داشته باشد.

به‌رحال حساسیت، ضرورت و اهمیت موضوع نگارنده را بر آن داشت، تا به منظور دریافت پیامدهای اثربخش این دوره از آموزش‌ها و دلایل شکل‌گیری این مراکز، تحقیقی انجام دهد که ابتدا به پیشینه این پژوهش خواهیم پرداخت.

## پیشینه پژوهش

در سال ۱۹۸۲، پاتریشیاوارد<sup>۱۵</sup>، نگرش سه‌گروه از افرادی را که با کودکان پیش‌دستانی (زیر پنج‌سال) کار می‌کردند و به نوعی با آنها ارتباط داشتند به وسیله پرسشنامه ۱۲ سؤالی بررسی کرد، این سه‌گروه عبارت بودند از: والدین کودکان، معلمان و افراد کمکی و نظارت‌کنندگان بازی‌های کودکان. سؤال‌های این پرسشنامه در مجموع دو دیدگاه را شکل می‌دادند: دیدگاه اول مراکز پیش‌دستانی را برای کودکان و دیدگاه دوم آن مراکز را برای والدین مفید می‌دانستند. هر فرد برای پاسخگویی حق انتخاب دو گزینه از دوازده‌گزینه پرسشنامه را داشت تا به آن وسیله مقصود و هدف و نیز اثربخشی آموزش‌های



پیش‌دبستانی را مشخص کند. سؤال‌های شماره ۴، ۶، ۸، ۱۰، ۱۱ و ۱۲ که آموزش‌های پیش از دبستان را برای کودکان مفید توصیف کرده‌اند، در یافته‌های تحقیقی او بیشترین فراوانی را دارا بودند. آزمودنی‌ها بالاترین انتخاب را به سؤال شماره ۴ داده بودند. در نتیجه بالاترین درصدها به سؤال شماره ۴ که آموزش‌های پیش‌دبستانی را جهت آمادگی‌های مدرسه‌ای و موفقیت‌های تحصیلی در سنین بالاتر، بیان کرده بود، تعلق داشت. در این میان، تنها ۱۰ درصد از والدین آموزش‌های پیش از دبستان را جهت آزادی مادر برای رفتن به سرکار و انجام کارهای شخصی معرفی کرده بودند.

(جدول شماره ۲ یافته‌های پاتریشیاوارد را نشان می‌دهد).

جدول شماره ۲- توزیع فراوانی پاسخهای پرسشنامه پاتریشیاوارد

شماره	سؤال‌ها	معلمان مهد	کمک معلمان مهد	ناظران زمین‌های بازی	والدین کودکان مهد	والدین کودکان زمین‌های بازی
۱	آیا رفتن کودکان به مراکز پیش‌دبستان به خاطر آزادی مادران برای رفتن به محل کار است؟	-	-	-	۵	۵
۲	رفتن کودکان به مراکز پیش‌دبستان به مادران فرصت خودسازی می‌دهد.	-	-	-	-	۵
۳	مراکز پیش‌ازدبستان جایگزین خانواده‌های گسترده سنتی شده است.	۵	-	۵	-	-
۴	مراکز پیش‌ازدبستان برای آماده‌سازی مدرسه‌ای است.	۲۰	۲۷	۱۰	۷۰	۲۵
۵	مراکز پیش‌دبستانی باعث جدایی مادر از کودکان می‌شود.	۵	۱۰	۲۰	۵	-

## ادامه جدول شماره ۲

شماره	سؤال‌ها	معلمان مهد	کمک معلمان مهد	ناظران زمین‌های بازی	والدین کودکان مهد	والدین کودکان زمین‌های بازی
۶	مراکز پیش‌دبستانی به کودکان تجربه وسیع‌تری در رابطه با مردم، وسایل و فضایی دهد.	۷۵	۶۹	۸۰	۴۰	۸۵
۷	ماندن در خانه کودکان را خسته و افسرده می‌کند.	-	-	-	۵	-
۸	مراکز پیش‌ازدبستان، نیاز به همکاری بین کودکان را به آنها می‌آموزد.	۱۰	۱۶	۳۵	۴۰	۵۰
۹	مراکز پیش‌ازدبستان به مادران امکان افزایش ارتباطات را می‌دهد.	-	-	۱۰	-	-
۱۰	رفتن به مراکز پیش از دبستان سبب شکوفایی ذهنی کودکان می‌شود.	۳۵	۴۳	۲۰	۳۰	۱۵
۱۱	رفتن به مراکز پیش از دبستان سبب استقلال کودک می‌شود.	۱۵	۱۶	۱۵	-	۲۰
۱۲	رفتن به مراکز پیش از دبستان سبب رشد کلامی و سخنگویی کودک می‌شود.	۳۵	۲۱	۵	۵	۲۰

اقتباس از کتاب بازی، پژوهش و یادگیری، جان هات، استفان تیلر، کورین هات و هلن کریستوفرسون، ۱۹۸۹، ص ۴۲.

در دو تحقیق دیگر که به وسیله نیوسان و نیوسان<sup>۲۳</sup> در سال ۱۹۶۸ و تیزارد در سال ۱۹۷۸<sup>۲۴</sup> در این رابطه صورت گرفته بود در بحث والدین شاغل نیز به همین نتیجه رسیده بودند که آموزش‌های پیش از دبستان، کودکان را برای مدرسه آماده می‌کند و اثربخشی آن به طور مشخص در آمادگی‌های رسمی مدرسه‌ای انعکاس پیدا می‌کند.

برای این که نگرش افراد مرتبط با کودکان ایرانی در سنین پیش از دبستان نیز مورد مطالعه قرار گیرد، چهار گروه را به شرح زیر به عنوان آزمودنی در تحقیق خود انتخاب نمودم. آزمودنی‌ها عبارت بودند از: ۱۱۰ نفر از دانشجویان دوره‌های کارشناسی شامل گرایش‌های پیش از دبستان و دبستان، مدیریت و برنامه‌ریزی و مشاوره، ۳۵ نفر از دانشجویان دوره‌های تربیت مربی و ۳۰ نفر از مربیان مراکز پیش از دبستان که به طور متوسط بین ۵ تا ۲۴ سال سابقه خدمت داشتند و نیز ۴۰ نفر از والدین که دارای مشاغل آزاد، معلم و یا خانه‌دار و غیره بودند. آزمودنی‌ها به طور تصادفی و از هر دو جنس انتخاب شدند. چهار گروه فوق به نوعی در ارتباط مستمر با کودکان و آموزش‌های آنان در این دوره بودند. آزمودنی‌ها به وسیله نگرش سنج پاتریشیاوارد مورد بررسی قرار گرفت تا نگرش افراد مختلف و درگیر آموزش‌های پیش از دبستان را در تهران نیز تعیین نماید. تفاوتی که در اجرای این پژوهش با پژوهش خانم پاتریشیاوارد وجود دارد این است که پاسخگویان، مخالفت یا موافقت خود را با هر یک از سؤال‌های دوازده گانه، با گذاشتن علامت (+) برای موافقت و علامت (-) برای مخالفت مشخص کرده‌اند و کلیه پاسخ‌های داده شده استخراج و درصد آنها با یکدیگر مقایسه و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است که جدول شماره ۳ این مقایسه را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳- توزیع فراوانی پاسخ‌های چهار گروه والدین، مربیان، دانشجویان کارشناسی، دانشجویان کاردانی

سؤال‌های دوازده گانه‌ای که نگرش افراد را بررسی می‌کند.	کارشناسی				کاردانی				مربیان				والدین			
	مرد		زن		مرد		زن		مرد		زن		مرد		زن	مرد
	+	-	+	-	+	-	+	-	+	-	+	-	+	-	+	-
۱ آیا رفتن کودکان به مراکز پیش از دبستان به خاطر آزادی مادران برای رفتن به محل کار است؟	۵۰	۲۳	۲۳	۱۴	-	-	۱۱	۳۲	-	-	۲۳	۷	۳	۲۲	۸	۲۹
	۶۸	۳۲	۶۲	۳۸	-	-	۲۶	۷۴	-	-	۷۷	۲۳	۴۳	۵۷	۷۱	۲۹
۲ رفتن کودکان به مراکز پیش از دبستان به مادران فرصت خودسازی می‌دهد.	۵۸	۱۹	۲۷	۹	-	-	۲۲	۲۲	-	-	۱۸	۱۰	۳	۲۵	۹	۲۷
	۷۵	۲۵	۷۵	۲۵	-	-	۵۰	۵۰	-	-	۶۴	۳۶	۴۳	۵۷	۷۳	۲۷

## ادامه جدول شماره ۳

شماره	سوال‌های دوازده گانه‌ای که نگرش افراد را بررسی می‌کند.		کارشناسی				کاردانی				مربیان				والدین			
			زن		مرد		زن		مرد		زن		مرد		زن		مرد	
			+	-	+	-	+	-	+	-	+	-	+	-	+	-	+	-
۳	مراکز پیش از دبستان	Fi	۵۳	۱۵	۳۴	۴	-	-	۲۵	۱۹	-	-	۱۶	۱۲	۶	۱	۱۹	۱۱
	جایگزین خانواده‌های گسترده‌ستنی شده‌است.	Pi	۷۷	۲۳	۸۹	۱۱	-	-	۵۷	۴۳	-	-	۵۷	۴۳	۸۵	۱۵	۶۱	۳۹
۴	مراکز پیش دبستان برای آماده‌سازی مدرسه‌است	Fi	۱۲	۵۸	۳	۲۵	-	-	۰	۴۴	-	-	۳	۲۷	۱	۶	۰	۳۱
		Pi	۱۷	۸۳	۸	۹۲	-	-	۰	۱۰۰	-	-	۱۰	۹۰	۱۵	۸۵	۰	۱۰۰
۵	مراکز پیش دبستانی باعث جدایی مادر از کودک می‌شود.	Fi	۳۷	۳۳	۲۱	۱۶	-	-	۴۱	۳	-	-	۲۱	۹	۵	۲	۲۰	۱۱
		Pi	۵۳	۴۷	۵۶	۴۴	-	-	۸۷	۱۳	-	-	۷۰	۳۰	۷۱	۲۹	۶۴	۳۶
۶	مراکز پیش دبستانی به کودکان تجربه وسیع‌تری در رابطه با مردم، وسایل و فضا می‌دهد.	Fi	۱۱	۶۰	۴	۳۴	-	-	۲	۴۲	-	-	۲	۲۸	۰	۷	۰	۳۲
		Pi	۱۵	۸۵	۱۱	۸۹	-	-	۴	۹۶	-	-	۷	۹۳	۰	۱۰۰	۰	۱۰۰
۷	ماندن در خانه کودکان را خسته و افسرده می‌کند.	Fi	۴۰	۲۹	۲۵	۱۲	-	-	۳۶	۷	-	-	۱۷	۱۳	۶	۱	۲۰	۱۱
		Pi	۵۸	۴۲	۶۷	۳۳	-	-	۸۳	۱۷	-	-	۵۷	۴۳	۸۵	۱۵	۶۴	۳۶
۸	مراکز پیش از دبستان نیاز به همکاری را به کودکان می‌آموزد.	Fi	۲۳	۴۷	۶	۳۲	-	-	۱	۴۲	-	-	۱	۲۹	۵	۲	۸	۲۳
		Pi	۳۳	۶۷	۱۶	۸۴	-	-	۲	۹۸	-	-	۳	۹۷	۷۱	۲۹	۲۶	۷۴
۹	مراکز پیش از دبستان به مادران امکان افزایش ارتباطات را می‌دهد.	Fi	۳۶	۳۴	۱۵	۲۲	-	-	۲۴	۲۰	-	-	۱	۲۷	۴	۳	۱۴	۱۷
		Pi	۵۱	۴۹	۴۰	۶۰	-	-	۵۴	۴۶	-	-	۳	۹۷	۵۷	۴۳	۴۵	۵۵
۱۰	رفتن به مراکز پیش از دبستان سبب شکوفایی ذهنی کودکان می‌شود.	Fi	۷	۶۳	۱	۳۶	-	-	۰	۴۴	-	-	۰	۳۰	۰	۷	۰	۳۱
		Pi	۱۰	۹۰	۳	۹۷	-	-	۰	۱۰۰	-	-	۰	۱۰۰	۰	۱۰۰	۰	۱۰۰
۱۱	رفتن به مراکز پیش از دبستان سبب استقلال کودک می‌شود.	Fi	۱۲	۶۱	۱	۳۷	-	-	۰	۴۴	-	-	۰	۳۰	۰	۶	۱	۳۱
		Pi	۱۶	۸۴	۳	۹۷	-	-	۰	۱۰۰	-	-	۰	۱۰۰	۰	۸۶	۱۴	۱۰۰
۱۲	رفتن به مراکز پیش از دبستان سبب رشد کلامی و سخنگویی کودک می‌شود.	Fi	۳	۶۷	۱	۳۶	-	-	۰	۴۴	-	-	۰	۳۰	۰	۶	۱	۲۸
		Pi	۴	۹۶	۳	۹۷	-	-	۰	۱۰۰	-	-	۰	۱۰۰	۰	۸۶	۱۴	۹۰

\* Fi به معنی فراوانی مطلق و Pi به معنی درصد مطلق است.

## نتایج پژوهش

● در پاسخ به سؤال شماره ۱ که "مراکز پیش از دبستان را برای آزادی اشتغال مادران و رسیدن به کارهای شخصی خود مفید می‌داند"، ۳۲٪ از مردان کارشناس، ۳۸٪ از زنان کارشناس، ۲۶٪ از زنان کاردان، ۲۳٪ از زنان مربی و ۵۷٪ از پدران و ۲۹٪ از مادران پاسخ مثبت داده‌اند در حالی که در پژوهش خانم وارد، تنها ۱۰٪ پاسخ مثبت داده بودند. به این معنی که در پژوهش حاضر، اگرچه مادران به فرستادن کودکان خود به مراکز پیش از دبستان، به منظور به دست آوردن فرصت‌های شغلی نیاز جدی دارند، اما از اهمیت و فایده آن نیز برای فرزندانشان ناآگاه نبوده‌اند.

● پاسخ به سؤال شماره ۴ که "آموزش‌های پیش دبستانی را برای آمادگی و موفقیت‌های مدرسه‌ای مفید می‌داند"، از دیدگاه این نگرش سنج بسیار جالب است. به این معنی که هر چهار گروه پاسخگو، با درصدهای بالاتر از ۸۰٪ معتقدند که آموزش‌های این دوره برای آمادگی‌های مدرسه‌ای مفید است، به عبارت بهتر ۸۳٪ از مردان کارشناس، ۹۲٪ از زنان کارشناس، ۱۰۰٪ از زنان کاردان و ۹۰٪ زنان مربی، ۸۵٪ از پدران و ۱۰۰٪ از مادران به این سؤال پاسخ مثبت داده‌اند. درصدهای فوق نشان دهنده این واقعیت است که مردم ما به ضرورت واقعی آموزش‌های پیش از دبستان واقف‌اند، اگرچه ممکن است اهداف اقتصادی یا رفاهی دیگری را که زیانی نیز به هدف اصلی وارد نمی‌سازد، دنبال کنند. ساده‌تر این‌که، مادران با علم به فواید آموزش‌های این دوره و نه به دلیل آزادی برای اشتغال، مراکز تربیتی را برای کودکان خود در این سنین اختیار کرده‌اند.

● پاسخ به سؤال‌های شماره ۶، ۸، ۱۰، ۱۱ و ۱۲ که نشان‌دهنده اثربخشی این دوره از آموزش‌ها بر شکوفایی ذهنی، استقلال کودکان و رشد کلامی و سخنگویی آنان است، با درصدهای بالاتر از ۸۰٪ و غالباً ۱۰۰٪ مورد تأیید پاسخ دهندگان قرار گرفته است.

شواهد موجود دربارهٔ پایین بودن کارآیی درونی نظام آموزش و پرورش، لزوم آماده‌سازی کودکان را برای یک شروع مناسب و به منظور بالا بردن کارآیی درونی آن الزامی می‌سازد. توسعهٔ جمعیت دانش‌آموزی از تعداد ۵/۹۹۴/۰۰۰ در سال تحصیلی ۶۳-۶۲ به ۹/۷۴۵/۰۰۰ نفر در سال تحصیلی ۷۴-۷۳ رسیده است، یعنی در فاصله یازده سال با رشد ۴/۵۲ درصد افزایش یافته است. گفتنی است آموزش ابتدایی از سال ۱۳۷۲ به بعد به علت کاهش جمعیت در سن تحصیلی با کاهش دانش‌آموز روبه‌رو بوده است و اگرچه از اواخر دهه ۱۳۶۰ دوره‌های یک‌ساله پیش از دبستان در مدارس دولتی تعطیل شده است اما تشکیل دوره‌های آمادگی در مناطق دوزبانه که از سال ۱۳۶۹ در آموزش و پرورش به

اجرا درآمد، توانسته تعداد ۳۳۸ هزار نفر کودک را در سال ۱۳۷۵ تحت پوشش قرار دهد و افزایش قابل ملاحظه‌ای از این به بعد در پذیرش کودکان به دوره ابتدایی را به وجود آورد. از طرفی نیز، میزان علاقه‌مندی و مشارکت والدین در سرمایه‌گذاری و تأمین هزینه‌های فرزندان‌شان در این دوره بیشتر از دوره‌های دیگر بوده است.

براساس یافته‌های این پژوهش، توقعات و نیازها تغییر کرده است و ما باید بتوانیم پاسخگوی مناسبی باشیم. زیرا کارآیی درونی آموزش و پرورش در کل با حضور کودکان در این مراکز افزایش خواهد یافت. بنابراین یکی از شاخص‌های بالا بردن کارآیی درونی نظام، توجه به آموزش‌های پیش از دبستان و نیازهای کودکان این سنین است.

از طرفی، در حال حاضر، توازن و تعادلی بین نیاز برای آماده‌سازی کودکان در این دوره و رشد جمعیت دانش‌آموزی در دوره ابتدایی نیست و این سیمای نگران‌کننده‌ای برای تعلیم و تربیت کشور است. نگرانی رفع نمی‌شود مگر این که شکاف بین آنچه هست و آنچه باید باشد با پل‌های ارتباطی صحیح و پیوند این آموزش‌ها و اهداف آن با دوره‌های بالاتر بسته و برقرار گردد. توجه مسؤولانه به هدف‌های این دوره و جدی گرفتن آماده‌سازی کودکان برای ورود به دبستان، در نهایت به کارآیی بیشتر آموزش‌های بعدی کمک شایانی خواهد کرد.

### پیشنهادها و رهیافت عملی

● لازم است که ابتدا در مورد تغییر نگرش دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان نسبت به قابلیت‌های این دوره از آموزش‌های کودکان، نگاه مسؤولانه‌تری به عمل آید، تا از سطحی انگاشتن و کم اهمیت جلوه دادن آموزش‌های این دوره اجتناب شود. آموزش‌های فرهنگی از طریق رسانه‌های مختلف، امید موفقیت در این باره را بالا می‌برد زیرا نخستین گام برانگیختن اعتماد و اطمینان خانواده‌ها و افراد از طریق حمایت‌های مسؤولان است.

● به‌وجود آوردن ضمانت‌های قانونی و حقوقی جهت حمایت و تقویت استفاده همه همکاران به‌ویژه کودکان محروم، دوزبانه، کودکان استثنایی و نیازمند و تأمین آنها در بهره‌مندی از خدمات آموزشی و پرورشی مراکز پیش از دبستان، به منظور تحقق هدف‌های فرهنگی و در راستای نقش محرومیت‌زدایی مراکز پیش از دبستان.

● ارتباط دادن و در تداوم نگهداشتن هدف‌های این دوره با دوره‌های آموزشی دبستانی و بالاتر. گفتنی است، هم‌اکنون در جامعه ما برخلاف جوامع و نظام‌های آموزشی دیگر کشورها، هیچ پیوندی بین هدف‌های این دوره و آموزش‌های رسمی دبستانی و سطوح بالاتر وجود ندارد و همین بی‌ارتباطی نقطه کور و مبهمی در شکل‌گیری بدفهمی‌ها

به عملکرد این دوره است.

● تأسیس دفتر آموزش‌های پیش از دبستان، آموزش‌های مقدماتی یا اساسی در کنار دیگر دفاتر آموزش و پرورش ابتدایی در هر منطقه آموزشی و نیز ادارات کل به منظور تعیین خط مشی و استمرار هدف‌های این دوره با هدف‌های دوره‌های بعد و نیز نظارت در امر برنامه‌ریزی، ارزشیابی و اشاعه دانش در تأمین نیروی انسانی کارآمد و نیز تدارک محتوا و برنامه‌های غنی برای این دوره به‌ویژه در راستای هدف‌های مصوب و موجود تغییر نظام آموزشی کشور در دوره پیش از دبستان.

● به رسمیت شناختن این دوره از آموزش‌ها به عنوان دوره‌ای لازم و مفید، برای جلوگیری از افت تحصیلی، نوسان نمرات و مشکلات آموزشی و غیر آموزشی دانش‌آموزان در سال‌های بعد. (در بسیاری از کشورها سنین ۶-۳ سالگی و نیز یک یا دو سال پیش از دبستان آموزش همگانی، اجباری است و از اعتبار و رسمیت برخوردار است).

● لزوم امر برنامه‌ریزی در این دوره، تدوین و منسجم نمودن محتوای آموزش‌ها به‌ویژه از سن ۶-۳ سالگی. در نهایت این‌که، لازمه محیط‌های آموزشی و تربیتی که در آن زندگی، نشاط و یادگیری با هم رخ می‌دهد، ارتباط انسانی خوب با کودکان است. سیمای واقعی و مطلوب این مراکز با کیفیت اهداف، بها دادن به ارزش‌ها و فرهنگ جامعه و نیازهای کودکان و وجود مربیان آگاه ارتباط حتمی دارد.



## پی‌نوشت‌ها

1. Plato (421 - 347 B.C)
2. Aristotle (394 - 322 B.C)
3. John Amos Comenius
4. John Jacques Rousseau
5. Johann Pesta Lozzi
6. Friedrick Froebel
7. Maria Montessori
8. John Piaget
9. Self - Awareness

۱۰- نتایج نظرسنجی از دانشجویان گرایش‌های کارشناسی رشته پیش از دبستان و دبستان در سال‌های ۷۳-۱۳۶۹، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، انجام شده به وسیله نگارنده مقاله، به عنوان مدیرگروه آموزش و پرورش و نیز نتایج بحث‌های سمینارهای بررسی عملکردهای رشته‌های علوم تربیتی در تابستان ۱۳۷۳، مشهد و غیره.

11. Early Childhood Education
12. Primary Schools
13. Kindergarten
14. Nursery Schools
15. Ward, Patricia, 1982
16. Teacher - Oriented
17. Child - Oriented
18. Syllabus - bound
19. Primary
20. Self - Control
21. Examination - Oriented
22. Process - Oriented
23. New - Son, J. 1968
24. Tizard, B. 1978

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی





## منابع

۱. آقازاده، احمد. آموزش ابتدایی در ژاپن، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت، دوره جدید، شماره ۳، بهار ۱۳۷۳.
۲. نوروززاده، رضا. بررسی تأثیر تجربه آموزش و پرورش پیش‌دبستانی بر کارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان پایه اول تا سوم دبستان‌های شهر بجنورد در سال تحصیلی ۷۳ - ۷۲ (پایان‌نامه کارشناسی ارشد به استاد راهنمایی دکتر فرخنده مفیدی و مشاوره دکتر عبدالرضا گودرزی، دانشگاه علامه طباطبائی)
۳. مفیدی، فرخنده، شناخت آموزش و پرورش پیش از دبستان و اثرات آن بر دنیای کودکان امروز، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت، شماره ۱ و ۲، ۱۳۷۲.
۴. مفیدی، فرخنده، برنامه آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان، (ترجمه)، انتشارات سازمان "سنت" ۱۳۷۴.
۵. محمدنژاد، آتیه. بررسی تأثیر آموزش پیش‌دبستانی در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان سال سوم و چهارم و پنجم ابتدایی مدارس رشت، ۱۳۷۴.
- (پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر فرخنده مفیدی و مشاوره دکتر محمدحسن پروند، دانشگاه آزاد اسلامی)
6. Catron, Carol E, Jan Allen. *Early Childhood Curriculum*, Merrill, 1993.
7. Hutt, John, Sctephen. Tyler and Others, *Play, Exploration and learning*, Routledge, 1986.
8. Melhuish Edward C. and Peter Moss, *Day Care For Young Children*, Routledges, 1991.
9. National Association for the Education of Young Children, *Early Childhood Teacher Education Guidelines*. Washington D.C, 1982.
10. NewSon, J. and Newson, E. *Four Years Old an Urban Community*. London. 1968.
11. Seefeldt Carol and Nita Barbour, *Early Childhood Education*, Merrill, 1986, P4.
12. Tizard, B. *Carry on Communicating Times Educational Supplement*, 1978.
13. Ward, Patricia, *Pre-School Provison and Parental Involvement*, University of Keele, 1982.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی